**بسم الله الرحمن الرحیم**

**حجیت قطع**

**هل یجوز التعبد بجمیع المذاهب و النحل؟**

**بررسی ادله قرآنی**

**جلسه هفتم\_ شنبه 29 مهر 1396**

رسیدیم به آیۀ کریمه 62 بقره، قبل از اینکه ایشان در تتمه مباحثشان به این آیه شریفه استشهاد کنند، ما جزء آیاتی که ممکن است به نحو اجمال مورد استدلال این گروه قرار بگیرد، این آیه را ذکر کردیم و همینطور 68 مائده را. بیان ایشان این است که آیه مطلق است و هیچ قیدی ندارد، ایشان این چهار گروه را با شرائطی مأجور می شناسد:

1. ان الذین آمنوا، (مسلمانان)
2. والذین هادو
3. و النصاری
4. و الصابئین

این چهار گروه به شرط اینکه ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشند، اسما مسلمان و یهودی نباشد و ثانیا عمل صالح انجام بدهند. عمل صالح هر یک از این چهار گروه هم به دین خودش، یهودی نخواسته اند، دو رکعت نماز صبح بخوانند. انی که خودش قبول دارد و عمل صالح می داند انجام دهد این فقط معذوریت ندارد، ماجور هم هست و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.

بعد می گوید نه این که من بین این چهار راه مخیرم، یعنی بر هر یک از این چهار راه حجت قطعی داشتم، نجات دارم و مأجورم. بحث تخییر در انتخاب من بین یکی از این چهار مسلک نیست، حجت اقامه کنم حجت قطعی و لو حجت مصادف با واقع هم نباشد.

بعد می گوید گفته شده که این آیه مربوط است به کسانی که در زمان قبل از ظهور اسلام به یکی از این سه مسلک قائل بودند، جواب می دهد کجای آیه چنین چیزی را نوشته است؟

آیه دارد ان الذین آمنوا تا آخر.

بنابراین از این ایه کریمه جواز بلکه وجوب عمل به هر یکی از آن ادیانی که طبق نظر من حجت قطعیه برش دارم، محقق است منجزیت است و معذریت و ماجوریت.

این بیان ایشان که تخییری نداریم. اصل اش حرف درستی است. چون تخییر داشتن حرف تکثر گرایی است که هیچ دینی را حق می داند. نه حرف کسی که خود را شیعه می داند و به عنوان فقیه دارد فتوا می دهد.

کسی که قائل به تخییر نیست، چرا واژه استبصار را به سخره می گیرد، به سخریه گرفتن واژه استبصار از کسی قبول است که قائل به تخییر باشد ولی وقتی تخییر نیست، استبصار طبق مسلک شیعه حرف درستی است علاوه کسی که تخییر را قبول ندارد، نمی تواند بگوید یجوز التعبد بکذا و جواز را هم به معنای عام و وجوب بگیرد. چنان که عرض کردم نهایتا می تواند بگوید معذورٌ و ماجور.

پس اولا با غمض از عین از همل مطالبی که در اطراف این آیه می توان بیان کرد نهایتا از آیه معذوریت و مأجوریت برای مستضعف و جاهل قاصر می توان استقاده کرد که این حرف تازه ایی نیست.

از این ایه نمی تواند یک فقهی استفاده کند که یجب التعبد. نه فقیه می گوید باید تعبد به حق داشت. وقتی تو شیعه آن را حق نمی دانی نمی توانی بگویی یجوز التعبد به. نهایتا بگو هو معذور و در عمل صالح اش هم خدا بهش تفضل می کند.

هذا اولا.

ثانیا شما نمی توانید در تفسیر آیات، شأن نزول آیات ر افراموش کنید، شان نزول آیات یک قرینه است برای فهم آیات. علیکم بالمراجعه بکتب التفسیر من الشیعة و السنة.

قصه این بود که جناب سلمان رضی الله تعالی عنه اسلام آورده است با گروهی از هم مسلکان خود که واقعا آدمان خوبی بودند زندگی می کرد، امده است خدمت پیامبر. بعضی می گویند رفیق های تو چون مسلمان نشدند اهل اسلام نیستند. آیه نازل شد ..ان الذین آمنوا تا آخر .

این شان نزول جا برای حرفی که شما می زنید نمی گذارد . این همان حرف ماست که هنوز پیام حق برایش نرسیده است و آدمی است که طبق آنچه که حق برای اش رسیده است عمل می کند، معذور است و ماجور.

اما اینکه بگویم یجوز التعبد نه نمی توانیم. از ایه نهایت همان که گفتیم استفاده می شود.

ثالثا شما خودتان قبول دارید که آیات را باید در کنار یکدیگر قرار داد.

ملاحظه کنید : 137 بقرة:

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما هُمْ في‏ شِقاقٍ فَسَيَكْفيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليم

آیۀ دیگر آل عمران 199:

وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خاشِعينَ لِلَّهِ لا يَشْتَرُونَ بِآياتِ اللَّهِ ثَمَناً قَليلاً أُولئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَريعُ الْحِسابِ

اهل کتاب به ما انزل الیکم ایمان می آورد. این ناظر به تاحالایش است. به لحاظ اعتقاد قبلشان به این تازه مسلمان می گوید اهل کتاب.

اگر کسی این آیه را کنار 62 ‏بقره گذاشت و گقت اینها همان هایی هستند که ایمان به قرآن آورده اند حرف بعید نیست چون هر دو جا می گوید لهم اجرهم عند ربهم. اشکالی هم ندارد به آنها بگوییم اهل کتاب هادوا چون خود قران هم به ملاک گذشته شان تعبیر اهل کتاب بهشان می کند.

این حرف آقایانی که میگویند مراد آیه گذشته است هم با شان نزول و هم با قرائن دیگر از قرآن مثل دو آیه ایی که خوانده شد سازگار است. یا بگویید معنای اول ما که معذوریت است که مخصوص جاهل قاصر است یا بگویید مربوط به نصرانی و یهودی سابق و تازه مسلمان است.

باز همین دو آیه را مقایسه بفرمایید . در همان آیاتی که دیروز خوانده شد از 65 مائده بر 68 مائده قرینه بیاورید:

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنا عَنْهُمْ سَيِّئاتِهِمْ وَ لَأَدْخَلْناهُمْ جَنَّاتِ النَّعيمِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ

با توجه به این آیات به 69 رسیده است و نیز با توجه به 68 مائده:

قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ لَسْتُمْ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ حَتَّى تُقيمُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

این ما انزل الیکم ربکم چیست؟

شما خودتان سیاق آیات را معتقدید. ان هم شان نزول آیه و ان هم دو قرینه جداگانه. هم سیاق، هم شان نزول و هم آیات محکم قرآن دارد این آیه را معنا می کند و اگر مفسرینی اینگونه معنا کرد نباید استهزاء بشود.

باز با 17 حج مقایسه کنید:

إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ الَّذينَ هادُوا وَ الصَّابِئينَ وَ النَّصارى‏ وَ الْمَجُوسَ وَ الَّذينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ شَهيدٌ

این آیه همان ها را نام می برد به اضافۀ مجوس. این آیه می خواهد بگوید خیلی ها اعتقاد حق دارند. حق یک چیز بیشتر نیست إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ شَهيدٌ

از این آیه کریمه به ضمیمه آیات دیگر الذین اشرکوا اساسا حق نیستند، هادوا و صابئین و نصاری و مجوس هم می گوییم اینها پیامبر الهی داشتند و برهه ایی از زمان حق بودند ولی الان حق نیستند.

تفصیل زمانی ممکن است که دو دستگی باشد.

من آیات دیگری ررا هم یاداش کردم ولی فکر کنم بس باشد.

خلاصة الکلام اینکه ایشان نمی تواند با توجه به آیات فتوای فقیهانه بدهد که یجب التعبد. فقیهانه حرف زدن با توجه به آیات معذوریت و ماجوریت فی الجمله است.

اما مرحله بعد ایشان سراغ روایات رفته است و خواسته است که استفاده کند که غیر شیعه هم بهشت می رود. بعد یک روایاتی را بر خلافش می رود که غیر شیعه بهشت نمی رود بعد می گوید بین این دو دسته تعارض دارد و حاکم قران است. قران می گوید بهشت می روند. بعد هم ایشان می رود سراغ کلام علما.

**و صلی الله علی محمدٍ و آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.**